

پژوهشی دربارهٔ چوب و تجارت آن در عصر قاجار از راه دریای خزر با تکیه بر اسناد بایگانی (۱۲۶۴-۱۳۳۲ق / ۱۸۴۷-۱۹۱۴م)

چکیده:

چوب از کالاهای تجاری ایران در دوران قاجار بوده است. جنگلهای انبوه شمال ایران با گونه‌های مختلف درخت، بی‌گمان اثر مهمی بر تجارت ایران در عصر قاجار، به ویژه از راه دریای خزر داشته است. از اواسط دورهٔ ناصری به دلیل گشایش و رونق راههای تجاری شمال، بیش از پیش به این موضوع توجه شد. از میان درختان مختلف، شمشاد و گردو بیشترین نقش را در تجارت چوب داشتند. بازرگانان داخلی و خارجی با امضای قراردادهایی با دولت مرکزی در زمینهٔ تجارت چوب فعالیت می‌کردند. بزرگ‌ترین امتیازداران چوب جنگلهای شمال، برادران کوسیسیس و ثنوفیلاکتوس (یونانی‌الاصل تبعهٔ روسیه) بودند که نزدیک به دو دهه انحصار تجارت چوب را در اختیار داشتند. بی‌توجهی دولت مرکزی سبب قطع بی‌رویهٔ درختان جنگلهای شمال به ویژه شمشاد و گردو شد و خسارتهای جبران‌ناپذیری وارد ساخت و با وجود این برای ترمیم و عمران جنگل هیچ کوششی صورت نگرفت. در این پژوهش چوب و تجارت آن در عصر قاجار به ویژه از راه دریای خزر میان سالهای ۱۲۶۴ تا ۱۳۳۲ق / ۱۸۴۷-۱۹۱۴م بررسی می‌شود.

واژگان کلیدی: قاجاریه، تجارت، چوب، دریای خزر، برادران کوسیسیس و ثنوفیلاکتوس.

مقدمه

تجارت چوب یکی از مقوله‌های شایان توجه در عصر قاجار بوده است. تا اواسط دوره ناصری تجارت چوب جایگاه چندانی نداشت، با وجود این، مقداری از چوب و فرآورده‌های آن نظیر تیر، تخته و زغال برای مصرف داخلی و یا صادرات به روسیه استفاده می‌شد.

تجارت چوب از زمان ناصرالدین‌شاه وارد مرحله خاصی شد؛ رونق راههای شمالی، رشد و گسترش بندرهای دریای خزر مانند باکو و حاجی ترخان در روسیه و انزلی در ایران، گسترش تأسیسات راه آهن در روسیه و بندرهای آن و توسعه حمل و نقل دریایی و کشتیرانی سبب شد که جابه‌جایی محموله‌های چوبی آسان شود.

بازرگانان داخلی نظیر میرزا سعیدخان انصاری، وزیر خارجه وقت، میرزا مسعودخان، کارپرداز ایران در حاجی ترخان و خواجه یوحنا ی مسیحی، تبعه ایران، در کنار بازرگانان خارجی چون برادران کوسییس و تئوفیلاکتوس با گرفتن امتیاز بهره‌برداری از جنگلهای شمال در زمینه تجارت چوب فعالیت داشتند.

اسناد و مدارکی بسیار از دوره قاجار به جای مانده که حاوی اطلاعات ارزنده‌ای درباره تجارت چوب و فرآورده‌های آن، به ویژه از دوره ناصری به بعد است. افزون بر این برخی از نویسندگان چون ویلهلم لیتن و جرج ن. کرزن در کتابهای خود به تجارت چوب اشاره کرده‌اند. همچنین شماری از محققان ایرانی مانند فریدون

آدمیت و هما ناطق با تکیه بر اسناد بایگانی و رساله‌های اقتصادی عصر قاجار به موضوع تجارت چوب پرداخته‌اند.

در پژوهش حاضر، تجارت چوب از راه بندرهای دریای خزر در دوره ناصری تا آستانه جنگ بین‌الملل اول بررسی می‌شود.

تجارت چوب پیش از واگذاری آن به برادران کوسیسی و تئوفیلاکتوس

جنگلهای شمال ایران در کرانه‌های سواحل دریای خزر از منابع مهم طبیعی است که در زندگی مردم منطقه تأثیر خاصی داشته است. از گذشته‌های دور تا عصر قاجار و پس از آن از درختان این جنگلها برای ساخت اسباب و ابزار چوبی، خانه، قایق، کشتی و ... استفاده می‌شد.

درختان آزاد، بلوط (مازو)، افرا، چنار، سرو جنگلی، سپیدار، شمشاد، گردو، مرس، نارون، زبان گنجشک، توسکا و درختان خاردار نمونه‌هایی از درختان جنگلهای شمال‌اند (کرزن، ص ۶۰؛ ستوده، ص ۳۷-۶۷)؛ از میان این درختان، شمشاد و گردو در تجارت نقش مهمی داشته‌اند. چوب درختان را برای فراهم کردن زغال و دیگر کاربردها و یا برای صادرات به روسیه قطع می‌کردند. چوب درخت شمشاد که در عصر قاجار فراوان بود از راه بندرهای ایران در دریای خزر به روسیه و یا از بندرهای روسی حاجی ترخان و باکو به اروپا حمل می‌شد، برای مثال چوب شمشاد از راه حاجی ترخان به رستو در ساحل رودخانه دن و لیورپول انگلستان صادر می‌شد (کرزن، ص ۵۹۹؛ رابینو، ص ۴۴-۴۵).

بی‌توجهی به جنگلداری و جنگلبانی و نبودن مقررات در این زمینه سبب شد که در دوره ناصری تا آغاز جنگ جهانی اول از تعداد درختان به ویژه شمشاد به تدریج کاسته شود. اگر به جنگلداری نظم خاصی داده می‌شد و دولتمردان بر آن نظارت می‌کردند و برای عمران و گسترش آن می‌کوشیدند، جنگل می‌توانست یکی از منابع ثابت درآمد باشد.

دولت در عصر قاجار به ویژه پیش از مشروطه، سیاست ثابت و پایداری درباره جنگل نداشت؛ مسئولان دولتی، گاهی قطع درختان جنگلی را منع می‌کردند (حکمی که کمتر اجرا می‌شد) و گاهی بریدن درختان به شکل بی‌قاعده‌ای انجام می‌شد؛ افزون بر این در پاره‌ای موارد جنگل همانند دارایی خصوصی و خانوادگی به افرادی نظیر کامران میرزا و میرزا سعیدخان، مؤتمن‌الملک، واگذار می‌شد. نمایندگان آنها درختان را قطع و به روسیه صادر می‌کردند و یا بازرگانان روسی به شکل ترانزیت درختان را از روسیه به اروپا می‌فرستادند؛ از فروش درختان مبلغ اندکی به خزانه دولت می‌رفت و بقیه آن نصیب سودجویان می‌شد. مردم نیز در عرض‌حالی که برای مجلس تحقیق مظالم می‌فرستادند به عملکرد دولت اعتراض می‌کردند (آدمیت و ناطق، ص ۲۸۶).

در دوران قاجار نظر دولت این بود که جنگل به شاه تعلق دارد و بر همین اساس ناصرالدین شاه در فرمانی نوشت:

جنگل عموماً مال دولت است و مداخله در آن باید به حکم دولت باشد....
 جنگل وجب به وجب صاحب دارد، کسی نمی‌تواند جنگل را بتراشد مگر
 درخت‌های پوسیده... البته باید مراقب بشوید جنگل تراشی موقوف باشد (همانجا).

بنابراین می‌توان گفت که برخی درختان را برای فراهم کردن چوب، تخته و یا
 تبدیل آن به زغال می‌فروختند اما جنگل فروشی ممنوع بود.

دولت قاجار تا سال ۱۲۷۹ ق فروش جنگل را ممنوع کرده بود، پس از این تاریخ
 با باز شدن راه شمال در زمان ناصرالدین شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳ ق/ ۱۸۴۷-۱۸۹۵ م) و
 حضور و فعالیت برخی بازرگانان خارجی در امر خرید و فروش و تجارت چوب، قطع
 و بریدن درختان و واگذاری این امتیاز مرسوم شد (ناطق، ص ۳۵).

ناصرالدین‌شاه در ۱۲۷۹ ق دستور داد که درختان جنگلی را قطع نکنند و
 میرزاسعیدخان انصاری (مؤتمن الملک)، وزیر امور خارجه، از این امر ناراحت شد؛
 چون امتیاز جنگلهای مازندران برای نخستین بار در انحصار او قرار داشت و گویا
 بدون فرمان حکومتی چنین امتیازی را در اختیار گرفته بود و به کمک شخصی
 به نام میرزا یوسف، درختان را قطع و به روسیه حمل می‌کرد (آدمیت و ناطق، ص ۲۸۶).

در سال ۱۲۸۴ ق با وساطت میرزاسعیدخان امتیاز بهره‌برداری از جنگلهای
 شمال به میرزا مسعودخان، کارپرداز حاجی ترخان، واگذار شد؛ وی افزون بر
 خدمت رسمی‌اش، در تجارت و فروش چوب به روسیه نقش داشت.^(۱)

از نامه‌ای که میرزا مسعودخان در ۴ صفر ۱۲۸۵ برای میرزا سعیدخان انصاری
 نوشت تا حدی می‌توان به اوضاع آشفته تجارت چوب در آن زمان پی برد:

... هرکس از تبعه داخله و خارجه آن قدرها که توانسته [به روس‌ها] چوب فروخته و حمل قفقازیه و اینجا نموده است. درخت آشوراده را هم به موجب قرارداد وزارت جلیله امور خارجه دولت علیه، به اجاره بنده محول شده و در فصل اول قرارنامه اینطور مرقوم فرموده‌اند: اولاً چوب و آلات جنگل‌های سواحل بحر خزر از بندر آستارا الی بندر جز استرآباد، از چوب گردو و شمشاد و هیزم تر و پخته که از خاک دولت علیه به ولایت خارجه حمل می‌شود، بلااستثنا به موجب فرمان جهانمطاع به طور اجاره به مقرب الحضرت همایونیه میرزا مسعود خان کارپرداز مخصوص دولت علیه [در] حاجی ترخان محول، و مدت اجاره چنانچه از قرار فرمان مبارک معین است از ابتدای سنه لوی نیل [سال نهنگ] بابت ده سال شمسی که آخر سنه قوی نیل [سال گوسفند] خواهد بود. که از برات هذه السنه توشقان نیل [سال خرگوش] سنه ۱۲۸۴ دست به تهیه این کار بزند و اختیار داده می‌شود... (آدمیت و ناطق، ص ۲۸۷-۲۸۹).

از این نوشته می‌توان به بی‌توجهی دولت مرکزی به قطع درختان و تجارت چوب پی برد. نکته دیگری که در نامه بدان اشاره شد، بهره‌برداری از امتیاز درختان جزیره آشوراده است؛ گویا دولت مرکزی گاهی امتیاز منطقه و یا مناطقی را همزمان به دو شخص واگذار می‌کرده است؛ براساس نامه میرزا مسعود امتیاز بهره‌برداری از چوب جزیره آشوراده به وی واگذار شده بود اما سند دیگری در دست است که نشان می‌دهد در همان سال امتیاز فروش چوب آشوراده به نجفقلی، کارگزار وزارت خارجه در استرآباد، داده شده است.^(۳) البته در نوشته

میرزا مسعودخان نشانی از لغو و یا فسخ قرارداد وی در مورد چوب آشوراده وجود ندارد و مدت قرارداد، ده سال شمسی بوده است؛ هنوز زمان این قرارداد پایان نیافته بود که دولت مرکزی قرارداد دیگری را در ربیع‌الثانی ۱۲۸۸ با شخصی به نام خواجه یوحنا مسیحی، تبعه ایران امضا کرد. مدت این قرارداد پنج سال شمسی و تاریخ شروع آن از بیستم ربیع‌الثانی ۱۲۸۸ بوده است. بر اساس این قرارداد امتیاز بهره‌برداری از درختان جنگلهای سواحل دریای خزر از آستارا تا تنکابن از چوب گردو، شمشاد، تیر و تخته که از ایران به خارج حمل می‌شد، در اختیار خواجه یوحنا قرار گرفت. مبلغ اجاره هر سال چهارصد تومان بوده است و اگر یوحنا در پرداخت اجاره سالیانه کوتاهی می‌کرد، دولت مرکزی در همان سال حق داشت که قرارداد را فسخ کند. افزون بر این در قرارداد تاکید شد که تجارت انواع چوب و هیزم که از تنکابن تا آستارا به روسیه و جزایر دریای خزر و یا دیگر کشورهای خارج حمل می‌شود، در اختیار خواجه یوحناست. به جز خواجه یوحنا و وکلای او، کسی حق ندارد در تجارت چوب جنگلهای این سواحل دخالت کند. در ضمن دولت مرکزی در این قرارداد پذیرفت که تا پایان قرارداد یاد شده آن را فسخ نکند. براساس این قرارداد خواجه یوحنا می‌توانست سه هزار اصله درخت را قطع کند و بفروشد.^(۳)

گویا در ۱۲۸۶ق / ۱۸۶۹م شخصی به نام میسوشارل که بعدها در اسناد از او به عنوان وکیل تجارتخانه برادران کوسیسی یاد می‌شود، قراردادی به مدت پنج سال با دولت مرکزی بست و قرار شد سالیانه افزون بر صدی پنج، مبلغ پنج هزار

تومان به دولت ایران پرداخت کند.^(۴) به نظر می‌رسد این قرارداد با توجه به قرارداد قبلی، به دلیل نقض مفاد عهدنامه یا قدغن شدن حمل چوب فسخ شده باشد؛ وگرنه دولت نمی‌توانست قرارداد جدیدی با خواجه یوحنا امضا کند.

در دوره‌های بعد، تجارت چوب کمابیش انجام می‌شد و تا زمان واگذاری امتیاز آن به برادران کوسیس وضعیت نامناسبی داشت. وزارت امور خارجه در رمضان سال ۱۲۹۸ نامه‌ای به سفیران دولتهای دوست نوشت و یادآور شد که از تاریخ یاد شده تجارت و خرید و فروش چوب جنگلهای سواحل دریای خزر از آستارا تا اترک ممنوع است؛ زیرا دولت برای حفظ این جنگلها خواهان ایجاد نظم است و تصرف بی‌رویه سبب تخریب آنها می‌شود؛ در این نوشته تأکید شده است:

فروش چوب از جنگل‌های مازندران و گیلان و استرآباد عموماً و حمل آن به

خارج بتوسط هرکس از اهالی داخلی و خارجی ممنوع است ...

در این نامه به سفیران دولتهای بیگانه گفته شده بود که به بازرگانان تبعه خود، این ممنوعیت را اعلام کنند و از تاریخ یاد شده تجارت چوب نکنند.^(۵)

ناصرالدین‌شاه در ۲۰ جمادى‌الآخر ۱۲۹۸ در قراردادی، امتیاز بریدن و فروختن جنگلهای گیلان، مازندران و استرآباد از سرحد آستارا تا رود اترک را به میرزا علیخان امین‌الملک، وزیر رسایل خاصه و وظایف و اوقاف واگذار کرد؛ مدت این امتیازنامه پنجاه سال شمسی و شروع آن از تاریخ یاد شده و دارای دوازده فصل و یک فصل ضمیمه از سوی ناصرالدین‌شاه بود. این امتیاز پس از امین‌الملک می‌توانست به وارثان شرعی او منتقل شود.^(۶)

در این قرارداد تاکید شده است که صاحب امتیاز می‌تواند همه زمینهای بدون مالک و لم‌یزرع را که در جنگلها یافت می‌شود، زراعت کند و سه سال از مالیات دیوان معاف باشد و در سال چهارم باید مالیات پرداخت کند؛ همچنین اگر در این زمینها معدنی پیدا شود در اختیار صاحب امتیاز قرار می‌گیرد و تا پنج سال از مالیات معاف می‌شود.^(۷)

گویا این امتیاز هم پس از مدتی فسخ شد؛ زیرا در فاصله میان سالهای ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۳ق برادران کوسیسی آمدند و تا مدت کمی بعد از انقلاب مشروطه (۱۳۲۴ق / ۱۹۰۶ م) این امتیاز در اختیار آنها بود.

واگذاری امتیاز بهره‌برداری از جنگل و تجارت چوب به برادران کوسیسی

پیش از واگذاری کامل امتیاز بهره‌برداری از جنگلهای شمال از آستارا تا استرآباد به برادران کوسیسی در ۵ رمضان ۱۳۰۷، آنها در ۱۳۰۱ق امتیاز حمل چوب شمشاد را از دولت ایران گرفتند و صد هزار اصله چوب شمشاد را از اهالی مازندران و گیلان خریدند و دولت مرکزی به آنها اجازه داد این چوبها را به روسیه صادر کنند و مبلغ هزار و پانصد تومان مالیات به دولت ایران بپردازند.^(۸)

هنگامی که در ۳۰ ژانویه ۱۸۸۹ بارون جولویوس رویتر امتیاز بانکها، معادن و حق انتشار اسکناس را گرفت، امتیاز جنگل هم ضمیمه آن بود؛ این امتیاز بهانه خوبی برای حضور انگلستان در شمال ایران و مرز روسیه بود.

محمد ولی خان تنکابنی، نصرالسلطنه، که در ۱۳۰۷ق / ۱۸۸۹م با دادن رشوه به ناصرالدین شاه حاکم استرآباد شده بود، در همین زمان نیز با دادن رشوه به شاه، امتیاز جنگل شمال را به دست آورد. او در این زمان همکاری نزدیکی با انگلستان داشت، تا جایی که نمایندگان این کشور در ایران، از ناصرالدین شاه خواستند که حاج محمدحسن امین‌الضرب را از ریاست ضرابخانه دولتی برکنار و محمد ولی خان تنکابنی را جانشین وی کند. در هر حال با کوشش دراموند ولف، سفیر انگلستان، که در آن زمان در گرفتن اغلب امتیازها از ایران نقش داشت، قرارنامه جنگل میان محمدولی خان و چارلز دوفیلد، رئیس بانک نوین شرق بسته شد (ناطق، ص ۳۶-۳۷). مدت امتیاز قرارنامه جنگل پنج سال بود و قرار شد سالیانه صد هزار اصله درخت از گیلان و صد و پنجاه هزار اصله درخت از جنگلهای مازندران قطع شود.

در ۱۳۰۷ق / ۱۸۹۰م میان صاحبان امتیاز و چوب‌بران به دلیل پائین بودن دستمزد اختلاف ایجاد شد و روس‌ها با استفاده از فرصت، حضور انگلیسی‌ها را در شمال تهدیدی برای خود قلمداد کردند و مداخله نظامی را پیش کشیدند. دراموند ولف می‌کوشید سیاست مسالمت‌آمیزی در پیش گیرد و از سویی واگذاری امتیاز نفت و تنباکو در میان بود؛ در نتیجه انگلستان و چارلز دوفیلد دست از این امتیاز کشیدند و این کار خسارت هشت هزار لیره‌ای برای نصرالسلطنه (دولت ایران) در پی داشت و همچنین سبب شد که چارلز دوفیلد در همان زمان امتیاز و سهم خود را به برادران کوسیسی و تئوفیلاکتوس بفروشد (همان، ص ۳۷-۳۸).

برادران کوسیسیس، یونانی الاصل و تبعه روسیه بودند. مسن‌ترین آنها مرکز اصلی تجارتخانه را در ادسا اداره می‌کرد. دو برادر دیگر یعنی کوسیسیس و تئوفیلاکتوس مقیم باکو بودند و شعبه‌های باکو و بارفروش (بابل) را اداره می‌کردند؛ البته این تجارتخانه در رشت نیز نمایندگی داشت. این برادران وضعیت مالی خوبی داشتند و سرمایه آنها را در جنگلهای شمال ایران حدود پانصد هزار فرانک تخمین زده‌اند. برادران کوسیسیس نخست از به انحصار در آوردن بهره‌برداری از جنگلهای شمال امتناع می‌ورزیدند و بر اساس قراردادهای خصوصی با مالکان جنگلهای تجارت می‌کردند (بیتن، ص ۱۲۹) تا اینکه در ۵ رمضان ۱۳۰۷ / ۲۶ آوریل ۱۸۹۰ نخستین امتیاز انحصاری خود را از دولت ایران گرفتند و با میرزا علی‌اصغر خان امین‌السلطان قرارداد بستند.^(۹)

قرارداد بهره‌برداری از جنگلهای شمال که سراسر سواحل و مناطق ساحلی دریای خزر را از آستارا تا استرآباد در برمی‌گرفت، با توجه به امکانات برادران کوسیسیس و تئوفیلاکتوس در امر تجارت چوب، در نوع خود بی‌نظیر بود. براساس ماده سوم قرارنامه، امتیازداران می‌توانستند سالیانه صد هزار اصله درخت از جنگلهای شمال قطع و به خارج صادر کنند و تأکید شده بود که اگر بیش از این مقدار درخت قطع شود، امتیازداران جریمه می‌شوند، اما به دلیل بی‌توجهی دولت، درختان بی‌رویه قطع و صادر می‌شدند.

قرارداد یاد شده دوبار و در سالهای ۱۳۱۲ق / ۱۸۹۵م^(۱۰) و ۱۳۱۷ق / ۱۹۰۰م تمدید شد.^(۱۱) مضمون و محتوای قرارنامه‌ها شبیه هم بود؛ مدت قرارداد اولیه

چهار سال و قرارداد دوم پنج سال بود، سومین و آخرین قرارداد برادران کوسیسی و تئوفیلاکتوس همانند قرارداد ۱۳۱۲ق بود با این تفاوت که مدت آن هشت سال تعیین شد. این قرارداد در ۱۴ رجب ۱۳۱۷ / ۲۱ مارس ۱۹۰۰ امضا شد و شروع آن از ابتدای همان روز و خاتمه‌اش ۱۴ رجب ۱۳۲۵ / ۲۱ مارس ۱۹۰۸ بود و براساس فصل چهارم این قرارداد مقرر شد که صاحب امتیاز، سالیانه مبلغ پانزده هزار تومان به دولت ایران اجاره پرداخت کند و اجاره پنج سال اول را که مبلغ هفتاد و پنج هزار تومان بود یکجا به دولت ایران مساعده بدهد و سه سال آخر را سالی پانزده هزار تومان پرداخت کند. با توجه به نوشته حاشیه قرارداد به نظر می‌رسد مبلغ اجاره سالیانه از پانزده هزار تومان به بیست هزار تومان تغییر یافته بود.^(۱۲)

قرارداد ۱۳۱۷ق / ۱۹۰۰م در پنج فصل امضا شد. براساس این قرارداد، تجارتخانه کوسیسی و تئوفیلاکتوس اجازه داشت از جنگل و چوب آن از آستارا تا گیلان، کلارستاق، کجور، مازندران و استرآباد بهره‌برداری کند، به استثنای برخی مناطق که به شاه قاجار تعلق داشت، مانند از ابتدای رودخانه چالوس تا انتهای آن، زمینهای کالیجه رود تا آخر نهر رودبار تا کنار دریا، از دهنه مرداب رود کلاردشت تا کنار دریا، اطراف جلگه کجور و جلگه کلاردشت و....

این قرارداد محدودیت و موانع بسیاری برای بازرگانان داخلی ایجاد کرد؛ چون هر نوع فعالیت در امر تجارت چوب باید با اجازه برادران کوسیسی و تئوفیلاکتوس انجام می‌شد. نظارت نکردن دولت بر محموله‌های چوبی از یک سو و حمایت نکردن از بازرگانان داخلی سبب شد که قرارداد چوب با تجارتخانه کوسیسی و

تئوفیلاکتوس، پیامدهایی داشته باشد. دولت روسیه که در همه موارد از امتیازداران خود حمایت می‌کرد، در این زمینه نیز از اتباع خود در ایران پشتیبانی کرد و این امر در تمدید امتیاز برادران کوسییس و تئوفیلاکتوس در ۱۳۱۷ق / ۱۹۰۰م به چشم می‌خورد. هنگامی که دومین قرارنامه تجارتخانه کوسییس و تئوفیلاکتوس با دولت مرکزی رو به اتمام بود، وکیل این تجارتخانه، مسیو شارل، بسیار کوشید تا این قرارداد را تمدید کند، اما دولت مرکزی بارها تأکید کرد که حاضر به تمدید قرارداد نیست و نصراله مشیرالدوله، وزیر امور خارجه، گفت که قرار است دولت جنگلها را اداره کند و تجدید امتیاز مقدور نیست. پافشاری برای تمدید قرارداد سبب شد که عنوان شود چوبهای شمشاد به کمپانی فرانسوی فروخته شده است. سرانجام، پافشاری امتیازداران و حمایت دولت روسیه از این امر باعث شد که در ۱۳۱۷ق / ۱۹۰۰م قرارداد تجارتخانه کوسییس و تئوفیلاکتوس تمدید شود.^(۱۳)

سند زیر نوشته وزارت امور خارجه به سفارت روسیه است که پس از پافشاری امتیازداران و تقاضای دولت روسیه، نشان از نرمش و عقب‌نشینی دولت ایران دارد:

سواد وزارت خارجه به سفارت روسیه

۴۱۳۸
۱۹

نمرة شعبان المعظم ۱۳۱۷ چون امتیاز قطع چوب‌آلات سواحل بحر خزر موافق اجاره‌نامه به تجارتخانه کوسییس توفیلاکتوس واگذار شده بود و این اوقات مدت اجاره‌نامه مزبوره منقضی شده است، بصواب دید اولیای دولت علیه موافق اجاره‌نامه از حالا تا مدت هشت [سال] مجدداً امتیاز واگذار گردید. محض اطلاع

خاطر محترم آنجناب جلالات مقام مزاحمت برآمده احترامات فایقه را تجدید

می‌نماید. زیاده زحمت امر نمی‌شود (مشیرالدوله).^(۱۴)

پس از امضای قرارداد در ۱۴ رجب ۱۳۱۷ / ۲۱ مارس ۱۹۰۰ سواد قرارنامه

در ۲۰ رجب همان سال در دفتر وزارت خارجه ثبت شد.^(۱۵)

پیامدهای قرارداد کوسییس و تجارت چوب پس از آن

از پیامدهای منفی قرارداد واگذاری امتیاز بهره‌برداری از جنگلهای شمال، اختلاف و درگیری در امر خرید و فروش چوب میان بازرگانان داخلی و صاحبان امتیاز و کارگزاران آنها بود. هرگونه معامله و تجارت باید با اجازه امتیازداران صورت می‌گرفت و گرنه چوب تاجران مصادره می‌شد. شاهد موثق در این زمینه درگیری میان تجارتخانه کوسییس و تئوفیلاکتوس با یکی از بازرگانان سرشناس بارفروش به نام میرمحمدعلی معین‌التجار بارفروشی است. براساس اسناد موجود^(۱۶)، این بازرگان در ۱۳۱۶ق / ۱۸۹۸م در اواخر دوران حکومت عبدالله‌خان نوری در مازندران در حدود هشتاد و سه پارچه (اصله) کره گردو (کهنه گردو) از محل‌های مختلف مازندران خریداری کرده بود که هفتاد و سه پارچه آن را در تجارتخانه خود در بارفروش نگهداری می‌کرد و سیزده پارچه دیگر را در قریه‌ای نزدیک ساری گذاشته بود. در آن زمان کوسییس ارمنی به عبدالله‌خان نوری شکایت کرد و با دادن رشوه به او، چوبهای گردوی معین‌التجار را مصادره کرد و در اختیار تجارتخانه خود قرار داد. قیمت چوبهای کره گردو (کهنه گردو) نزدیک

به چهار هزار تومان بود. معین‌التجار از سال ۱۳۱۶ تا ۱۳۲۲ ق / ۱۸۹۸ تا ۱۹۰۴ م بارها به کارگزاری خارجه مازندران شکایت کرد و حتی این مسئله را با وزارت خارجه در میان گذاشت. در زمان عبدالله‌خان نوری، حاکم مازندران، به شکایت محمدعلی معین‌التجار رسیدگی نشد، به همین دلیل اختلاف به سالهای بعد کشانده شد. دولت مرکزی می‌کوشید از تاجران داخلی حمایت کند، اما به دلیل نفوذ صاحبان امتیاز و حمایت دولت روسیه از آنها، کوششهایش بی‌نتیجه بود.

یکی دیگر از پیامدهای قرارداد واگذاری امتیاز چوب شمال به برادران کوسیس و تئوفیلاکتوس، درگیری میان اهالی روستای علی‌آباد کجور نور و روستای صلاح‌الدین قلعه (صلاح‌الدین کلا) در غرب مازندران و کارگزاران این تجارتخانه بود، گویا مأموران دولت نیز در این ماجرا نقش داشتند. شماری از اهالی علی‌آباد کجور از قطع درختان شمشاد جلوگیری کردند و کرجی‌بانها، کدخدا و کارگزاران تجارتخانه کوسیس را کتک زدند و کشتیهایی که از باکو برای حمل چوب به ساحل آمده بودند، خالی بازگشتند و در نتیجه به چوبهایی که برای حمل در کنار ساحل جمع‌آوری شده بود، خسارت بسیاری وارد شد. همچنین رعایای روستای صلاح‌الدین کلا بر سر گماشتگان تجارتخانه کوسیس ریختند و آنها را دست بسته زندانی کردند و کرجی بانهای تنکابن را کتک زدند و مانع از حمل چوب با پراخود (کشتی باری) آنها شدند. برخی اهالی نیز چوبهای انبار شده تجارتخانه کوسیس و تئوفیلاکتوس و خانه عامل تجارتخانه را در بچلیم دره غارت کردند و به آتش کشیدند. صاحبان امتیاز به این مسئله اعتراض و

ادعای خسارت کردند. سفارت روسیه هم از این تجارتخانه حمایت کرد و خواستار جبران خسارت وارده شد.^(۱۷)

یکی از مواردی که گویای وضع اسفبار بازرگانان داخلی است، شکوایه و گلایه آنها و رعایای رشت است. بازرگانان داخلی که در کار تجارت چوب بودند در کنار پرداخت عوارض گمرکی صدی پنج، باید طبق قرار از هر یکصد تومان دو سوم آن را به تجارتخانه کوسییس پرداخت می کردند. افزون بر این کشتیهای شرکتیهای مختلف که در امر حمل و نقل دریای خزر نقش داشتند، به ویژه آنهایی که در حمل و نقل چوب فعال بودند، از چوب شانه که پوطی (پودی) پنج هزار قیمت داشت، شش هزار دینار حق امتیاز می گرفتند.^(۱۸)

تجارت چوب با ارزش بود؛ زیرا مشتریانی بسیار در روسیه و اروپا داشت، حتی پیش از واگذاری امتیاز چوب به برادران کوسییس دست کم تا سال ۱۲۸۷ ق / ۱۸۷۰ م افزون بر صدور چوب شمشاد از راه دریای خزر به روسیه، محموله‌های چوب شمشاد به ارزش سی هزار لیره از روسیه به انگلستان صادر می شد. در اوایل قرن بیستم میلادی، سرمایه‌گذاری برادران کوسییس در تجارت چوب بیش از پانصد هزار روبل بوده است (عیسوی، ص ۲۲۴). در آن زمان، حمل چوب درختان شمشاد و گردو اهمیت فوق‌العاده‌ای داشت و در روسیه در ساخت وسایل چوبی به ویژه در کارخانه‌های اسلحه‌سازی استفاده می شد. وجود دریای خزر و تأسیسات راه آهن در بندرهایی نظیر باکو و حاجی‌ترخان با توجه به سنگینی محموله‌های چوبی، حمل آن را آسان می کرد.

از موارد دیگری که اثر مخرب و جبران‌ناپذیری بر جنگلهای شمال گذاشت، قطع بی‌رویه درختان به ویژه درختان گردو و شمشاد بود، در قرارداد با تجارتخانه کوسییس و تئوفیلاکتوس نوشته شده بود که این شرکت سالیانه موظف به حمل چوب صد هزار اصله درخت است، اما هیچ‌گاه به آن توجهی نشد. به گونه‌ای که در اسناد هم اشاره شده است، سالیانه چهارصد هزار درخت گرانبهای شمشاد را قطع و به خارج حمل می‌کردند؛ از سویی چون درختان شمشاد پس از قطع شدن دوباره سبز نمی‌شدند، این ثروت طبیعی نابود می‌شد.

افزون بر مطالب یاد شده، مسائل دیگری نیز در امر تجارت چوب مشکل ایجاد می‌کرد؛ ساخت جاده‌ها، خانه‌ها و انتقال ماشین‌آلات و لوازم کار به داخل جنگلها برای قطع و حمل و نقل درختان به سختی انجام می‌شد. دخالت مسئولان و کارمندان عالی‌رتبه دولتی که نفوذ سیاسی داشتند و خود را مخالف غصب زمینها در نواحی مجاور محل سکونتشان نشان می‌دادند، بر مشکلات تجارت چوب می‌افزود. ویلهلم لیتن در این زمینه به نکته‌هایی اشاره می‌کند که شایان توجه است:

مشاجرات، محاکمات و زیانهای فوق‌العاده، اغلب تا زمانی که ایرانی مورد نظر

قدرت خود را از دست می‌داد، متوجه پیمانکاران اروپایی بود. علاوه بر آن، مالکان

بزرگ جنگل که با شرکت‌های مختلف اروپایی در معامله بودند، به محض اینکه

از محل دیگری پیش پرداخت دریافت می‌داشتند، از قول و قرار خود سرباز

می‌زدند. این مالکان بزرگ همزمان دارای نفوذ سیاسی نیز بودند و اغلب شرکتها

موفق به اخذ مجدد پیش‌پرداختهای خود نمی‌شدند (همو، ص ۱۲۸).

در دوره‌های بعد افزون بر برادران کوسیسی و تئوفیلاکتوس افراد دیگری هم بودند که در امر تجارت چوب فعالیت داشتند؛ از آن جمله می‌توان به هیبت زینل‌اف از اهالی لنکران در ناحیه اردبیل، تقی‌اف و مایگوف، سرمایه‌داران معروف باکویی در جنگلهای گیلان، تسارف در مازندران، اولین کوف* در جنگلهای مجاور گیلان و مانگویی اشاره کرد، مانگویی امتیاز درختهای بلوط تنکابن را برای تهیه چلیک نفت به دست آورد. همچنین اتباع روس در سالهای نزدیک به جنگ جهانی اول یک کارخانه چوب‌بری در ارومیه تأسیس کردند (اشرف، ص ۶۴).

پس از انقضای قرارداد چوب با تجارتخانه کوسیسی و تئوفیلاکتوس، شرکتهای دیگری وارد تجارت این محصول شدند؛ از جمله دکتر آلبرت در نوامبر ۱۹۰۷ از وین به نمایندگی شرکت ایران - فرانسه با مالکان جنگلهای شمال پیمانهای بست. با وجود کوشش آلبرت ادر، این شرکت موفق نشد و ادر نیز دست از کار کشید. همچنین می‌توان از فعالیت شرکت قفقازی خوشتاریا و شاهزاده تومانف در طالش نام برد. خوشتاریا در ۱۳۲۹ق / ۱۹۱۱م چندین هکتار از جنگلهای طالش را از سه مالک بزرگ اجاره کرد. وی پس از مدتی توجه یکی از تاجران روسی به نام اولین کوف را جلب کرد و او را با سرمایه صد و سی هزار روبل به عرصه تجارت چوب کشاند و شرکت صنایع چوب ایران و روس را در سال ۱۳۳۰ق / ۱۹۱۲م تأسیس کرد. خوشتاریا هم سهامدار و هم مدیر عامل شرکت بود و شاهزاده تومانف و یک وکیل دادگستری به نام لیانازوف و حمید بیگ ذوالقدراف

* Oline koov

نیز از سرمایه‌گذاران این شرکت بودند. شرکت صنایع چوب ایران و روس، از جنگلهای طالش بهره‌برداری می‌کرد و محصولات چوبی خود را در داخل و خارج ایران می‌فروخت. این شرکت برای تسریع و بهبود کارش دارای کارخانه‌های چوب بری و برق، راه‌آهن و راههای فرعی، بندر و دیگر تأسیسات بود.

خوشتاریا یک کارخانه با شش دستگاه ماشین بخار به قدرت ۱۶۵ اسب در طالش ایجاد کرد. شرکت خوشتاریا و سهامداران او نیز یک کارخانه برق با کابل سیم زیر آبی در بندر انزلی و غازیان داشتند. افزون بر این، خوشتاریا امتیاز حمل و نقل با اتومبیل را به دست آورد و گاراژ بزرگی در غازیان احداث کرد و همچنین از پیربازار (کنار دریا) تا رشت خط آهنی به طول دوازده کیلومتر ساخت. سرمایه شرکت خوشتاریا در ۱۳۳۵ق / ۱۹۱۷م حدود بیست میلیون روبل افزایش یافت. یکی دیگر از شرکتهایی که در ۱۹۱۳م / ۱۳۳۲ق با مالکان جنگلهای شمال قراردادهای گوناگون بست، شرکتی ایتالیایی - مصری بود. روبرت اشتومپ سوئسی، خارجی دیگری بود که کوشید با حمایت و سرمایه روسیه از جنگلهای شمال بهره‌برداری کند (همان، ص ۶۴-۶۳؛ لیتن، ص ۱۲۸-۱۲۹).

برخی از ایرانیان هم تا پیش از جنگ جهانی اول در زمینه تجارت چوب فعالیت داشتند؛ از جمله حسن جلال‌الدین خان اختر کوشید که شرکتهای آلمانی را به بهره‌برداری از جنگل ترغیب کند.

با وجود فعالیت گسترده بازرگانان خارجی و داخلی در تجارت چوب، اقدام مثبتی برای ترمیم و عمران جنگلهای تخریب شده صورت نگرفت. قطع و بریدن

بی‌رویه درختان، آسیب‌هایی جدی به جنگلهای شمال وارد ساخت. تنها اقدامی که دولت در سال ۱۳۱۸ ق / ۱۹۰۰ م انجام داد، استخدام یک نفر آلمانی بود که در جنگلداری تخصص داشت، اما او را برای سرکشی خالصجات دولتی مازندران مأمور کردند و او نیز جنگلی کوچک در دره جاجرود ایجاد کرد که به شکارگاه شاهی اختصاص یافت (جمالزاده، ص ۹۲).

درآمد دولت از فروش چوب و یا واگذاری امتیاز بهره‌برداری از جنگلها کم بود. سالیانه بیش از دویست هزار اصله درخت از جنگلهای سواحل دریای خزر قطع و به خارج صادر می‌شد. از زمان واگذاری امتیاز بهره‌برداری از جنگلهای شمال از آستارا تا استرآباد به برادران کوسیسی، مقدار صادرات چوب افزایش یافت، اما درآمد ناشی از آن نصیب صاحبان امتیاز می‌شد. قیمت صادرات چوب در برخی از سالها به دویست و پنجاه هزار تومان می‌رسید (همان، ص ۹۱).

برای نمونه به گزارشهای برخی کنسولهای انگلیس در ایران درباره چوب شمشاد اشاره می‌کنیم که محو شدن تدریجی چوب شمشاد را نشان می‌دهد، چرچیل یکی از کنسولهای انگلیس در ۱۲۹۳ ق / ۱۸۷۶ م در گزارشی اعلام می‌کند که حدود شصت هزار قطعه چوب شمشاد به وزن ۲/۱۷۰ تن و به ارزش ۲۳/۰۸۰ لیره استرلینگ از گیلان صادر شده است. وی در گزارش دیگری می‌نویسد که در ۱۲۹۲ ق / ۱۸۷۵ م حدود دویست هزار درخت شمشاد را در گیلان و مازندران قطع کردند. رابینو یکی دیگر از کنسولهای انگلیس در ۱۳۲۴ ق / ۱۹۰۶ م در گزارشی بیان می‌کند که حدود ۲/۱۰۰ تن چوب شمشاد به ارزش

۴/۴۱۴ لیره از مازندران صادر شد که صد و بیست و شش هزار قطعه بوده است (سیف، ص ۶۲-۶۳). جدول زیر ارزش صادرات چوب شمشاد را از گیلان در فاصله سالهای ۱۲۸۲ق / ۱۸۶۵م تا ۱۳۰۹ق / ۱۸۹۱م نشان می‌دهد (همان، ص ۶۳).

جدول صادرات چوب شمشاد از گیلان در سالهای ۱۸۶۵-۱۸۹۱م / ۱۲۸۲-۱۳۰۹ق

سال	لیره استرلینگ	سال	لیره استرلینگ
۱۸۶۵	۱۳۱۰۴۴	۱۸۷۶	۲۳/۰۸۰
۱۸۶۶	۱۷/۵۱۰	۱۸۷۷	۸/۰۰۰
۱۸۷۱	۲۶۱۰۸۶	۱۸۷۸	۸/۸۴۶
۱۸۷۳	۳۰/۰۰۰	۱۸۷۹	۴/۴۴۴
۱۸۷۴	۱۲/۸۰۰	۱۸۹۱	۲/۰۷۸
۱۸۷۵	۲۰/۰۰۰	—	—

در این جدول سیر نزولی صادرات چوب شمشاد دیده می‌شود. چرچیل در گزارشی در سال ۱۳۱۱ق / ۱۸۹۳م در مورد وضعیت درختان شمشاد اشاره می‌کند:

در گیلان و استرآباد به سختی می‌توان درخت شمشاد پیدا کرد. عرضه این

درخت‌ها به اتمام رسیده است (همان، ص ۶۲).

افزون بر این، قطع درختان چه برای صادرات و یا مصرف زغال که سوخت بیشتر مردم ایران بود، بر آب و هوای مناطق شمالی کشور اثر گذاشته بود؛ زیرا بسیاری از درختان بلند همانند شمشاد در جذب باران موثر بودند.

در پایان مقاله، به گفته ه.ل. رایینو در کتاب *ولایات دارالمرز ایران، گیلان* اشاره می‌شود که هم ارزش تجارت چوب را نشان می‌دهد و هم پیامدهای ناگوار این تجارت را فاش می‌سازد:

... دیگر LUP (زگیل گیاه) در این منطقه دیده نمی‌شود. زیرا همه به

خارج حمل گردیده است. لوپ زگیلی است که روی درخت‌های کهنه گردو

می‌روید و می‌گویند فقط در زمین‌های صخره‌ای و کوهستانی دیده می‌شود. این

توده چوب‌های سخت طول زیادی دارند و برگ‌های آن مثل کاغذ باریک است

و برای روکاری و روکش به کار می‌رود. صادرکنندگان بیشتر اوقات پس از آنکه

به آسانی زگیل چوب‌ها را به دست می‌آوردند خود درخت را بیرحمانه از بین

می‌برند (همو، ص ۴۵). پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه

با توجه به اسناد و مدارکی که در این تحقیق به آنها اشاره شده است، تجارت چوب در دوران قاجار از اواسط دوره ناصری گسترش یافت. تجارت چوب پیش از عصر ناصری اهمیت چندانی نداشت. از این زمان به بعد تاجران داخلی و خارجی هر کدام با گرفتن امتیاز بهره‌برداری از جنگلهای شمال وارد عرصه تجارت چوب

شدند. از دیدگاه دولت، جنگل به دولت مرکزی تعلق داشت و بهره‌برداری از آن باید با اجازه دولت صورت می‌گرفت. بسیاری از شخصیت‌های سیاسی و دولتی همچون میرزا سعیدخان انصاری، وزیر خارجه وقت و میرزا مسعودخان، کارپرداز ایران در حاجی‌ترخان در گرفتن امتیاز چوب و تجارت آن سهیم بودند، برادران کوسیس و تئوفیلاکتوس بزرگ‌ترین امتیازداران بهره‌برداری از جنگل بودند که بیش از دو دهه در تجارت چوب فعالیت داشتند.

قطع و بریدن درختان، بی‌رویه بود و بر آن نظارت نمی‌شد و امتیازداران برخلاف قرارداد خود، بیش از مقدار تعیین شده درخت قطع می‌کردند؛ این مسئله به تدریج سبب تخریب جنگل و محو برخی از درختان نظیر شمشاد و کهنه گردو (کره گردو) شد و دولت برای ترمیم و آبادی جنگل اقدامی نمی‌کرد؛ بنابراین در این دوره از یک سو تجارت چوب رونق یافت و از سویی دیگر بی‌توجهی دولت سبب ویرانی و تخریب بسیاری از جنگلهای شمال شد و این مسئله بر آب و هوای این مناطق اثر گذاشت. تجارت چوب و فرآورده‌های آن اغلب از راه بندرهای دریای خزر به روسیه و یا به صورت ترانزیت به اروپا انجام می‌شد. یافته‌های موجود در این پژوهش، چگونگی تجارت چوب را در دوران قاجار به خوبی نشان می‌دهد.

بیوست

سند زیر، آخرین قرارداد در مورد تمدید امتیازنامه چوب آلات با برادران نویسی است (بایگانی مرکز اسناد و خدمات پژوهشی وزارت امور خارجه،

۶-۲۲-۱۳۱۷ق)

صورت قرار داد چوب آلات است علیه ایران از خاک سهند اوله تهر با که تجارتخانه کوکس و نو فلیس و اوله از
 از نظر راست
 خصایص تجارتخانه کوکس و نو فلیس از طرف دولت علیه ایران مختار و مختار است که در بند سهند سهند و گیلان و کما سابق
 و مانند آن در تهر با از خرید چوب آلات که در قوه مختار خارج نماید از قبیل سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند
 بر کس بخواد چوب که در باب سهند بر سر او میزند باید فقط با حاکم محمد عبد الله تجارتخانه فرورد و سهند و سهند و سهند و سهند
 که حقوق دولتی را به تجارتخانه فرورد و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند
 فصاح به با به غرض تحت لزاج صحت علیه شود که از شرط این قرارداد سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند
 و سیات و سندیست شود و در خصوص سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند
 و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند
 سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند
 در صورت تجارتخانه فرورد و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند
 فصل سهند تجارتخانه فرورد و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند
 چوب قطع نماید

در تمامه و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند
 تا انتها به طرف سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند
 در تمامه و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند
 فصل چهارم این قرارداد در مدت شش سال است از اول اردیبهشت سال ۱۳۱۷ قمری تا اول اردیبهشت سال ۱۳۲۲ قمری
 قرارداد سندیست سندی برقرار خواهد بود و از باب سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند و سهند

دوازده سال تاریخ و اقصای این قرار نامه تجارت خانه فروردیس ^{جیب} و بعد از آن زمان بنام این رسم عهد و مد هر دو بعد از آن
 پنج سال بعد از آن قرار نامه تجارت خانه فروردیس و بعد از آن زمان بنام این رسم عهد و مد هر دو بعد از آن
 نباید با هم بیاید و هر که در راه داری و غیره و هر که از تجارت خانه فروردیس مطلع شود

فصل پنجم عهد از اقصای مدت این قرار نامه هرگاه که تجارتخانه کوئین و وین فلانس طالب باشد اولیای دولت علیه حزب است
 تجارتخانه فروردیس و اولیای دیگر نماید در صورتی که دگری از این بیع زایل نماید و تجارتخانه فروردیس قیود نماید بدگری و اولیای خود
 اربابان و خانان در این که تجارتخانه برای آنها ساخته همانند اولیای دولت علیه حزب خواهد فرمود که آن خانان و ارباب و غیره
 باین سماع هر قیمت عادلانه فروش برانند این سخن یک شصت چهاردهم شهر جمادی اول سنه ۱۳۱۷

برای کار و صادرات
 در این قرار نامه
 در این قرار نامه
 در این قرار نامه
 در این قرار نامه
 در این قرار نامه

برگردان سند:

صورت قرارداد چوب‌آلات دولت علیه ایران از آستارا الی استرآباد که به تجارتخانه کوسییس و ثنوفیلاکتوس واگذار شد، از این قرار است:

فصل اول: تجارتخانه کوسییس و ثنوفیلاکتوس از طرف دولت علیه ایران مختار و مجاز است که در جنگل آستارا و گیلان و کلارستاق و کجور و مازندران و استرآباد از هر قبیل چوب‌آلات گرفته حمل بخارجه نماید. از قبیل هیزم و تخته و کره گردو [کهنه گردو] و ذغال و شمشاد و زربین و غیره هم هرکس بخواهد چوب بگیرد و اسباب تخته‌بری راه بیندازد باید فقط با اجازه مخصوصه از تجارتخانه مزبوره بوده باشد لاغیر و در وقت حمل باید که حقوق دیوانی را به تجارتخانه مزبوره بپردازد و به جهت احتیاج داخله ممالک ایران موافق معمول سابق رفتار شود.

فصل دوم: باید غدغن سخت از جانب دولت علیه بشود که از شروط این قرارداد احدی تخلف ننماید. هرگاه کسی بخواهد تخلف نماید مورد مواخذة و سیاست و جریمه سخت بشود و آنچه ضرر هم به تجارتخانه مزبوره وارد بیاورند. دیوان همایون اعلی چوبهای بریده را ضبط و خسارات وارده را مسترد ساخته عاید دارد. تجارتخانه مزبوره با صاحبان املاک بمثل سابق و به قیمت عادلانه معامله خواهد نمود. ولی اگر صاحبان املاک بخواهند اجحاف و تعدی نمایند. دیوان همایون اعلی رفع تعدی و اجحاف آنها را خواهد فرمود و حکام هر بلد از کل و جزو نهایت همراهی و تقویت در امورات تجارتخانه مزبوره و حفظ حقوق آن باید بنمایند و به هیچوجه هم حق مداخله در اینکارها ندارند.

فصل سیم: تجارتخانه مزبوره متعهد است که متعرض جنگل‌های مفصله ذیل که محل تفرج اعلیحضرت اقدس همایون شهرداری است، نشود و از آنها چوب قطع ننماید:

از دهنه دلبر الی لب دریا، از دهنه مرداب رود کلاردشت الی لب دریا، در تمام اطراف جلگه کجور و جلگه کلاردشت؛ یعنی کوههایی که دور جلگه کجور و کلاردشت است، جنگل کدیر که در کجور است، جنگل بالا کدیر که پایین کوههای کلاردشت و خرم‌آباد است، جنگل‌های دشت نظر که شکارگاه مخصوص است؛ مابین کجور و کلاردشت.

فصل چهارم: باید این قرارداد در مدت هشت سال، ابتدا از بیست و یکم ماه مارس هزار و نهصد مسیحی مطابق اول حمل سیچقان ثیل لغایت بیست و یکم ماه مارس هزار نهصد و هشت مسیحی برقرار خواهد بود و از بابت هر سال مبلغ پانزده هزار تومان تجارتخانه مزبوره باید باولیای دولت قاهره کارسازی دارند. و از حال تاریخ و امضای این قرارنامه مزبوره مبلغ هفتاد و پنجهزار تومان بابت پنج ساله اول برسم مساعده بدهد و بعد از انقضای پنج سال، سه سال آخر هر سالی پانزده هزار تومان در بیست و یکم مارس عاید خزانه عامره کرده، سند یا بمهر دریافت نماید و زیاده از این مبلغ نباید با سهم مالیات و گمرگ و راهداری و غیره وجهی از تجارتخانه مزبوره مطالبه شود.

فصل پنجم: بعد از انقضای مدت قرارنامه هرگاه تجارتخانه کوسییس و تئوفیلاکتوس طالب باشد، اولیای دولت علیه چوب‌آلات را بتجارتخانه مزبوره

واگذار می‌فرماید، در صورتی که دیگری از این مبلغ زیاده نماید و تجارتخانه مزبوره قبول ننماید، به دیگری واگذار خواهند فرمود. انبارها و خانه‌ها و راهی که تجارتخانه برای این کار ساخته، مهیا نموده و اولیای دولت علیه مساعدت خواهند فرمود که آن خانه‌ها و انبارها و غیره بآن مستاجر جدید بقیمت عادلانه بفروش برسانند. بتاریخ یک شنبه چهاردهم شهر رجب‌المرجب هذاه السنه تنگوزئیل خیریت دلیل ۱۳۱۷.

هواله العالی

سواد دستخط حضرت اشرف صدارت عظمی بمطالعه این قرارنامه است که به موجب نوشته علیحده برای هشت سال دیگر تجدید شد. چون آن نوشته مجمل است. فصول و شروط از قرار این قرارنامه خواهد بود. برای مبلغی - [که تعیین گردید] و سالی هشت هزار تومان مقرر شد. شهر رجب ۱۳۱۷ (محل مهر صدارت عظمی است).»

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتابنامه

- آدمیت، فریدون و هما ناطق، افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار، چاپ اول، تهران: آگاه، ۱۳۵۶.
- اشرف، احمد، موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران دوره قاجاریه، چاپ اول، تهران: زمینه، ۱۳۵۹.
- جمالزاده، محمدعلی، گنج شایگان، چاپ اول، تهران: کتاب تهران، ۱۳۶۲.
- رایینو، هل، ولایات دارالمرز ایران، گیلان، برگردان: جعفر خمایی‌زاده، چاپ سوم، رشت: طاعتی، ۱۳۶۶.
- ستوده، منوچهر، از آستارا تا استرآباد، ج ۳، چاپ دوم، تهران: آگاه، ۱۳۷۴.
- سیف، احمد، اقتصاد ایران در قرن نوزدهم، چاپ اول، تهران: نشر چشمه، ۱۳۷۳.
- عیسوی، چارلز، تاریخ اقتصادی ایران در عصر قاجار (۱۸۰۰-۱۹۱۴ م)، برگردان: یعقوب آژند، چاپ دوم، تهران: گستره، ۱۳۶۹.
- کرزن، جرج. ن، ایران و قضیه ایران، ج ۲، برگردان: غلامعلی وحید مازندرانی، چاپ چهارم، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.
- لیتن، ویلهلم، ایران از نفوذ مسالمت‌آمیز تا تحت‌الحمایگی (۱۹۱۹-۱۸۶۰ م)، برگردان: مریم میراحمدی، چاپ اول، تهران: معین، ۱۳۶۷.
- ناطق، هما، بازرگانان در داد و ستد با بانک شاهی و رژی تنباکو (بر پایه آرشو امین‌الضرب)، چاپ دوم، تهران: توس، ۱۳۷۳.

اسناد:

۱. بایگانی مرکز اسناد و خدمات پژوهشی وزارت امور خارجه، سند شماره:
۱۲-۲۳-۱۳۸۳-۱۲۸۵ق.
۲. همان، سند شماره: ۱۲-۲۶-۱۲۸۳-۱۲۸۵ق.
۳. همان، سند شماره: ۱ و ۲ و ۳-۲۷-۱۳-۱۲۸۶ق.
۴. همانجا.
۵. بایگانی مرکز اسناد و خدمات پژوهشی وزارت امور خارجه، سند شماره:
۱۶-۲۰-۱۲۹۸ق.
۶. همانجا.
۷. همانجا.
۸. بایگانی مرکز اسناد و خدمات پژوهشی وزارت امور خارجه، سند شماره:
۱۸۵-۱۳۰۱-۱۳۰۳ق.
۹. همان، سند شماره: ۱۴ - ۲۰ - ۱۳۰۶ - ۱۳۰۷ق و سند شماره: ۱۳-۲۱-۱۳۰۸-۱۳۰۹ق.
۱۰. همان، سند شماره: ۱-۲۴-۱۳۱۲ق.
۱۱. همان، سند شماره: ۶-۲۲-۱۳۱۷ق.
۱۲. همانجا.
۱۳. بایگانی مرکز اسناد و خدمات پژوهشی وزارت امور خارجه، سند شماره: ۶
۲۲-۱۳۱۷ق.
۱۴. همانجا.

۱۵. همانجا.

۱۶. بایگانی مرکز اسناد و خدمات پژوهشی وزارت امور خارجه، سند شماره: ۶

-۲۱-۱۳۲۰ اق و سند شماره: ۱۳-۲۱-۱۳۲۲ اق و سند شماره: ۱۰۶-۱۰-۱۳-۱۳۲۲ اق.

۱۷. همان، سند شماره: ۲-۲۷-۱۳۲۴ اق و سند شماره: ۱-۹-۲۵-۱۳۲۴ اق.

۱۸. همان، سند شماره ۲-۲۷-۱۳۲۴ اق.

